

دومین بار

به عشق سلام

(رمان - خاطره)

حسن فیروزی

www.ketab.ir



انتشارات فرآین

ناشر تخصصی شعر و ادبیات

چاپ اول ۱۴۰۱

سرشناسه : فیروزی ، حسن ، ۱۳۴۲-

عنوان و نام پدیدآور : دومین بار به عشق سلام

(رمان- فاطره) / نویسنده: حسن فیروزی.

مشخصات نشر : گرج : انتشارات فرآیین، چاپ اول ۱۴۰۱

مشخصات ظاهری : ۲۲۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م

شابک : ۹۶۹-۵۷۴۲-۶۲۲-۹۷۸ : ۱۳۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : فیروزی ، حسن، ۱۳۴۲- - فاطرات

موضوع : نویسندگان ایرانی - - قرن ۱۴

شناسه افزوده : نازیار ، سپیده ، ۱۳۵۷- ویراستار.

رده بندی دیویی : ۹۲۰ / ۰۵۵

رده بندی کنگره : CT ۱۸۸

کتابشناسی ملی : ۸۷۱۹۶۳

دومین بار به عشق سلام (رمان- فاطره) حسن فیروزی

ویراستار و طراح جلد : سپیده نازیار

چاپ اول : ۱۴۰۱ - تیراژ : ۱۰۰۰

شابک : ۹۶۹-۵۷۴۲-۶۲۲-۹۷۸ : ۱۳۰۰۰۰۰ ریال

انتشارات فرآیین

کرم، رایجی شهر، بلوار انقلاب، فیلیان چهارم غربی، فاز ۳، بلوک ۳، مرکز نشر شعر و ادبیات

تلفن : ۰۹۳۵۵۷۸۴۷۰۱ - ۰۹۳۵۵۷۸۴۷۰۲

Email: Farayin10929@yahoo.com

Weblog: Cafekalamatblogfa.ir

کلیه ی حقوق چاپ و نشر محفوظ است.



فهرست

صفحه

۷.....	مقدمه
۹.....	مادر م وسیله شناسایی من و حاجیه خانم بدین شکل صورت گرفت
۱۴.....	اولین آشنایی من و حاجیه خانم بدین شکل صورت گرفت
۱۹.....	آلودگی های ذهنی، بزرگ ترین مشکل در راه تقوا
۳۳.....	پیدایش اولین تغییرات حسی
۳۹.....	اعتماد متقابل، دامنه ی سخن را بین ما گسترش می داد
۴۳.....	بالاخره اتفاق قلبی، رخ داد!
۵۰.....	دنیای خیالم (در محضر خدا) با خود من چه ها می گفت؟!
۵۴.....	بازگویی احساس قلبی در محضر خدا و استمداد از او
۵۶.....	احوالانی که دچار شده بودم، خود نیز نمی دانستم به کجا خواهد کشید؟!
۶۰.....	ای عشق! این دومین اسارت زیبا و عمیق من در توست!!
۶۷.....	روزهای خوش دیدار، ادامه می یابد
۷۶.....	نوشتن از اندوخته های قلبی و ذهنی ام
۱۱۵.....	سخن از عشق پایان ناپذیر است

- تصویرات روزافزون من، پیرامون زندگی حاجیه خانم ۱۲۳
- خلوت‌گزینی‌های مثبت نیز، گاهی از آثار عشق است. ۱۲۹
- این بنده‌ی معصیت‌کار نیز راضی به رضای خداست. ۱۳۴
- جدایی من و همسرم (مادر بچه‌ها) بالاخره رخ داد. ۱۳۶
- زمان تجرد و احساسات مضاعف ۱۵۰
- در پایان هر مسیر مشترک، مسیر غالباً عوض می‌شود! ۱۵۳
- لحظات بی‌قراری‌ام را روی کاغذ می‌آوردم تا کمی آرام بگیرم. ۱۶۲
- دوران انتظار هم‌چنان ادامه می‌یابد. ۱۷۳
- خداوند این بار مادرم را وسیله‌ای مستقیم قرار داد. ۱۷۵
- اتفاق دیگری که مادرم رقم زد! ۱۸۰
- به پای خود نیامده بودم، که به پای خود ناگزیرم بروم! ۱۸۸
- خدا! تو بنا بر مصلحت خویش، احوالات زندگی مرا رقم بزنی. ۱۹۸
- به جای آمدن حاجیه خانم، این رفتن من بود که اتفاق می‌افتاد! ۲۱۲
- مهر حاجیه خانم در قلبم نهان شد، با دیگری سامان گرفتم. ۲۱۷

● مقدمه

حمد و سپاس بی کران خدای مهربان که مرا نیز بر این عالم هستی خلق نمود تا شانس و اقبال خود را برای صعودی آگاهانه بر مراتب دیگری در حوزه‌ی مخلوق بودم که پاداش «بهشت» دربر دارد، امتحان کنم.

ای خدای بزرگ! از زمانی که کمک کردند و به من آموختند تا تو را بشناسم، دوستی تو را با جان و دل بر خود فرض نمودم؛ آن گاه دریافتم در راه دوستی خالق از جانب من مخلوق، سه دشمن بسیار بزرگ دارم که هرگاه خواستند و توانستند مرا با خود همراه کرده و به سوی خود جلب نمودند که در خدمت آنها کارها انجام بدهم، اما از هنگامی که سعی من بر شناخت تو قرار گرفت (البته به وسع محدود) از آن سه دشمن بسیار بزرگ وحشت کردم.

آن سه دشمن بسیار بزرگ عبارتند از: نفس اماره، شیطان رانده شده و نادانی و جهل. هرگاه انسان می‌خواهد بنده‌ی خوبی باشد، باید در تمام لحظات و ثانیه‌ها که به سرعت برق و باد می‌گذرد، از این سه عنصر ترکیبی، به خدای متعال پناه

ببرد. در این راه چنانچه هر کسی هر چه قدر توان داشته باشد و تاحد ممکن توانش را صرف کند و بر آنها (نفس اماره، شیطان رانده شده و جهل و نادانی) به مقدار ممکن فایق آید، بدون شک از قهرمان قهرمانان دورانها محسوب می شود.

خدایا! من مخلوق ضعیفی هستم، بر همین اساس همیشه و در همه حال می خواهم در پناه تو باشم.

پروردگارا! من از خود در محضر تو اغلب شکوه و شکایت دارم. از تو یاری می جویم تا همیشه در قبال جهالتها، نفس اماره و شیطان رانده شده، هوای مرا داشته باشی!

ای قادر متعال! هرگز شنونده ای نظیر تو برای حرفهای دل خویش، در خلوت نیافته ام. هر وقت که توفیق یافته یا می یابم، دنیای تخیلاتم را در محضر تو بازگو می کنم.

خب! می پندارم، این موضوع در زندگی و رفتار فردی ام از مطلوب ترین و لذت بخش ترین چیزها است. غالباً انباره ای حافظه ی محدودم را از لطف تو و از مفاهیم و معانی پر کرده، بعضاً از آن، مطالبی را با شرح متناسب و ساده بر صفحات کاغذ و... خالی می کنم. با این کار در این جهان هستی، به ویژه در این هیاهوی وانفسای جهان زمینی، سهم مخلوق بودن خود را از خداوندگاری تو در محضر خودت می خواهم با زبان گفتار، با نوشتن بر روی صفحات کاغذ تا حد ممکن اصلاح کنم. پس موفقم گردان!